

خواننده ارجمند!

این رساله شادروان استاد احمد علی کهزاد بمناسبت بیست و پنجمین سال وفات استاد کهزاد خدمت حضور شما تقدیم میگردد.

استاد کهزاد 25 سال قبل بروز 3 سوم قوس 1362 هه ش در شهر کابل به عمر 75 سالگی این جهان را وداع کرد.
روحش شاد باد!

قابل یادآوریست که این بنیاد بدین مناسبت کتاب (تاریخ افغانستان جلد اول و دوم) را بصورت یادبود به علاقمندان تاریخ وطن بصورت تحفه تقدیم میکند. دوستانی که علاقمند دریافت این کتاب باشند با شماره تلفون (4074382909) در ساعات بین 7:00 و 10:00 شب وقت شرق امریکا در تماس شوند.

داکتر فریار کهزاد
بنیاد فرهنگی کهزاد

بنياد فرهنگي كهزاد

مسكوكات قديم افغانستان

تاليف

احمد علي كهزاد

انجمن ادبي كابل
از مديريت نشرات تصويب و نشر شد
كابل

1317

یادآوری

افغانستان از نقطه نظر پیدایش مسکوکات قدیم اهمیت خیلی زیادی دارد و این اهمیت تقاضا میکند که دسته ئی از جوانان وطن در ین رشته مشغول مطالعه شده و اختصاص حاصل کنند. من این اثر کوچک را بحیث یک رهنمای مقدماتی تحریر نموده و مطلبم این بود تا علاوه بر نشان دادن بعضی نمونه های مهم، رول مسکوکات را در روشن کردن تاریخ قدیم افغانستان وانمود سازم.

احمد علی کهزاد

مسکوکات افغانستان قبل التاريخ

این پارچه های فلزات طلائی، نقره ئی، مسی که دست بدست میگردد و بنام (پول) یاد میشود، اگر چه بالذات به هیچ درد نمیخورد ولی اسباب رفع تمام احتیاجات و حوائج بشری است و در عالم مادیات امروز بدرجه صاحب اقتدار است که تمام قوای دیگر را تحت الشعاع خود گرفته است. این پول که در حیات بشر چنین رول مهمی را بازی میکند اول بصورت عمومی دارای تاریخچه مفصل و باز انواع و اقسام آن در دنیا و حتی در یک مملکت و یک شهر بواسطه مرور زمان بدرجه زیاد است که تحقیق آن علم مخصوصی شده و یکدسته علمای معینی بنام (سکه شناسان) در اطراف آن مطالعه و تدقیق مینمایند.

مسکوکات برای روشن کردن وقایع گذشته تاریخی یکی از مهمترین منابع موثق است و هرجائی که زبان تاریخ خاموش و از کتیبه های سنگی و غیره منابع اثری نیست، بدان متمسک شده و بجائی رسیده اند. مسکوکات هر دوره و هر مملکت بعلت اینکه اول یک چیز فلزی است و باز در نوع و زمان خود به تعداد زیاد در دسترس عموم بوده با اینکه آن دوره و آن عصر با تمام موجودیت و آثار خود از بین رفته باشد، این پارچه های فلزی که با تمام معنی نماینده صادق آن دوره و قوم و جامعه بوده از بین نرفته و امکان ندارد که از میان گرد و خاک و خرابه های آن نقطه مجهول یکدانه، دو دانه پیدا نشود و چون در مسکوکات تمام اعصار

عوامل دینی و زبانی؛ رسم الخط؛ طرز لباس، اسم و صورت شاه، سنه، محل ضرب، بعضی اوقات اسلحه و حیوانات و دیگر چیزها بضرر رسیده یک دانه و دو دانه سکه با زبان فصیح بسیار چیزهای مهم آن دوره را معلومات میدهد و همین که یک بار سر رشته بدست آمد و یک اندازه معلومات اساسی جمع شد از روی سکه های مختلف چندین شاه، تمام وقایع یک عصر طولانی را میتوان روشن ساخت.

پس اگر مدققین اروپائی امروز در اطراف مسکوکات تدقیق میکنند و علمای مخصوصی حیات خود را در پالش و کولکسیون آنها صرف مینمایند، حق دارند، زحمت آنها به هدر نرود. مسکوکات در حقیقت اوراق فلزی کتاب تاریخی است که شیرازه آن از هم گسیخته و سراسر حوادث روزگار آنها را بهر طرف پریشان ساخته است. برای اینکه این کتاب مطالعه و از آن استفاده شود، اول در جمع آوری و ترتیب اوراق آن باید زحمت کشید.

پول چه وقت به میان آمد:

سکه چه وقت اختراع شد؟ علت ظهور آن چه بود؟ جواب این مسایل و امثال آن با مراتب تدریجی تکامل بشر هم‌دوش است و انسان تا زمانی که بحالت انفرادی میزیست چون احتیاجات ابتدائی خود را خودش رفع میکرد و موضوع کمک اجتماعی در میان نبود بابرین پول هم که اسباب و واسطه تحصیل کمک غیر است وجود نداشته. بعد از اینکه انسان وارد مرحله حیات اجتماعی شد، وضعیت تغییر کرد، احتیاجات زیاد شد و چون یکنفر به تنهایی تمام احتیاجات خود را رفع نمیتوانست مجبور شد که یک حصه حوائج حیاتی خود را ذریعه دیگران فراهم کند. این وضعیت باعث شد که (عامل) یا (واسطه) پیدا شود که ذریعه آن (کمک دیگران) بدست آید.

به اساس همین نظریه قبل از ظهور (پول) در تمام ممالک روی زمین (کمک دیگران) یا (ماحصل زحمت دیگران) به جنس حاصل میشد یعنی جنس به جنس تبدیل میگردید چنانچه وحشیان اوقیانوسیه و امریکای

شمالی و افریقا هنوز هم احتیاجات خود را به جنس میخرند و جنس را به جنس تبدیل میکنند.

قرار تحقیقاتیکه نموده اند بعد از این مرحله ابتدائی در ممالک آسیای غربی و اراضی کنار سواحل بحرالروم که افغانستان و هند هم جزء آن باشد، خرید اشیا بیشتر با تبادل حیوانات بعمل می آمد چنانچه یادگار این معامله هنوز در بعضی السنه آریائی مانده و از روی کلمه پول (پکونیا Pecunia) در زبان لاتین، (fee یا Vieh فه یا فیه) در جرمنی، (روپیه) در سانسکریت که همه در اوائل به معنی (حیوان) بود، حقیقت این نظریه معلوم میشود.

اهالی ممالکی که به ساحل دریا قریب بودند (پارچه های نمک) و (صدف دریائی) را به سائرا اشیا تبدیل میکردند چنانچه قبل از عهد مسیح این صدف به نام (Cypraea سپیرا) و (Couris کوریس) در شرق اقصی خلی رواج داشت و در بعضی نقاط افریقا هنوز هم از بین نرفته است.

وقتیکه فلزات وارد میدان مبادله شد، قبل از اینکه برنگ سکه حقیقی در آیند مراتب مختلف را پیموده اند.

در مصر در عصر فراعنه که سکه وجود نداشت تمام فلزات از قبیل طلا الکتروم، نقره، مس، سرب و آهن در مبادله استعمال میشد چنانچه تصاویر مصری پارچه های فلزات را بصورت طبیعی طوریکه از معدن میبرآمد یا بشکل گرد در خریطه های کوچک یا بصورت پارچه و خشت و میله و غیره اشکالی که عملیات ذوب به آن میداد، نشان میدهد و فلز هر شکلی که داشت معیار آن از روی وزن با ترازوی کوچکی سنجیده میشد و چون برای خریداری یک چیز هر دفعه مجبور میشدند که برابر ارزش آن چیز فلز بدهند، کنج های آنرا میساییدند و می بریدند و آخر اشکال این کار ایشانرا مجبور کرد که مقطوعه های فلزی به اوزان معین بسازند.

پسائتر مصری ها حلقه های فلزی از طلا و نقره ایجاد کردند که آنرا (اوتن Outen) میگویند و یک دانه آن به ده (کت Kat) تقسیم میشود و

وزن یکدانه آن 5.72 گرام بود. این حلقه ها بعبارت دیگر یکنوع (سکه حلقه ئی) مدوری بود.

همچنان کلدانی ها و عیلامی ها هم این مراتب را پیموده و به تدریج آنها هم دارای پول های حلقه ئی شده اند. اهالی کلد و عیلام در میان آسیائی ها از همه اول تر فلزات را شناخته اند. واحد فلزی آنها که کار سکه را میداد (مین Mine) نام داشت و آن دو نوع بود (مین بزرگ) و (مین کوچک). اولی 1010 گرام و دومی مناصفه آن 505 گرام وزن داشت و به اصول 6 در 6 به 60 (سیکل Cycle) خورد و کلان تقسیم میشد.

مسکوکات حلقه ئی که اول در مصر و بعد نزد کلدانی ها و عیلامیها رواج یافته بود اگرچه دارای علائم اعتبار ضمانت نبود معذالک چون کار سکه را میداد گفته میتوانیم که بنوع خودش قدیم ترین پولی بود که انسان در سواحل بحرالروم آسیای غربی میشناخت. حتماً اهالی قدیم افغانستان ما هم این نوع مسکوکات داشتند.

ناگفته نماند که نزد تمام ملل مفکوره معیار تبادل فلزات بهمین اساس روی کار نیامده است بلکه اوائل آن در بعضی جاها طور دیگر هم بود و اوائل قضیه مسکوکات آنها به مبادله اشیا و افزار فلزی شروع شده است چنانچه در شرق افغانستان در مملکت پهنا ور چین واحد معیار مبادله (کارد) و در امریکا (تبر نقره بود).

از مسکوکات حلقه ئی که فوقاً متذکر شدیم حین حفاریات آسیای غربی بسیار پیدا شده چنانچه (دو مرگان) سکه شناس معروف و فقید فرانسه در 1889 از قبرستان قدیم ارمنستان روس به تعداد زیاد کشف کرده و قرار گرفته خودش چون فلز حلقه های مذکور از آثوری آمده، تقسیمات خورد و کلان آنها از نقطه نظر وزن به اصول همان مملکت شده است. هکذا از بین قبیل مسکوکات چه طلا و چه نقره و چه مس از تهداب معابد سوز هم بسیار بدست آمده و قراریکه (موسیو موریس بزارو) 77 حلقه طلا را وزن نموده، وزن آنها از یکدیگر مختلف و اختلاف آن بین 65 گرام و

4.50 گرام تفاوت میکند. این مسکوکات بشکل انگشتی میباشد که حلقه آن بسته نشده و قطر آن 15 میلیمتر میباشد.

پس گفته میتوانیم که در 2000 ق م یعنی عصری که تاریخ این معابد را به آن نسبت میدهند، در سوز و اراضی قفقاز یعنی نفاط غربی آسیا، فلزات بصورت حلقه در آورده شده بود تا داد و ستد و مبادله آن با اجناس آسان باشد ولی هنوز هم کار پول را نداده رول جنس را بازی میکرد و بصورت جنس تبادل میشد.

بعد چون دامنه زندگانی اجتماعی وسعت پیدا کرد و با آن دایره احتیاجات هم وسیع تر گردید، معاملات مبادله و خرید و فروش بیشتر گردیده تجارت هم روی کار آمد و در نتیجه دست بدست گردیدن فلزات هم بیشتر شد. در بین وقت برای اینکه از لحاظ معیار صافی فلز جلوگیری شود، قوه های اجتماعی آن وقت و یا سوداگرخانه ها ب فکر افتادند تا پارچه ئی فلز را نشانی کنند چنانچه با قلم و چکش و سندان فلزات مقطوعه را نشانی میکردند تا نزد عوام از نقطه نظر وزن و خصوصاً صافی فلز اعتبار داشته باشد و این مرحله اولی ظهور مسکوکات است که در قرن هفت ق م مصادف میباشد.

اختراع فلزات مقطوعه نشانی شده را برخی به اهالی شهر (سارد Sarde)، پایتخت (لیدی Lydie)، مملکت قدیم آسیای صغیر و بعضی به ساکنین یونانی جزیره (اژین Ege) که در خلیج (اژین) واقع است نسبت میدهند ولی چون اهالی (لیدی) قدیم تر اند و در تجارت از همه پیش قدم میباشد بالعموم اختراع فلزات مقطوعه نشانی شده را با ایشان نسبت میدهند و میگویند که (ژیجس Gyges) موسس خانواده سلطنتی (مرمناد Mermnades) قرن 8 ق م کسی است که قدیم ترین فلزات مقطوعه نشانی شده را بمیان آورده است که وزن آن ها از 10.82 تا 14.255 گرام فرق میکند و بر طبق (استاترس Stateres) بابلی ها و فنیقی ها تقسیمات دارد.

در عصر (کروزوس Croesus) پادشاه دیگر (لیدی) که بین 554 - 567 ق م سلطنت نموده سکه یکقدم دیگر پیش گذاشته و دارای خواص صنعتی گردید چنانچه روی راسته فلز مقطوعه نیم مقابل بدن شیر و گاو رو بروی هم و طرف دیگر دو مربع چقور معلوم میشود.

اگرچه هخامنشی ها بعد از فتح آسیای صغیر سکه را شناختند معذالک در زمانه هائی که مقارن به اولین تصادف آنها با غرب آسیا بود خود شان سکه نزدند. قرار گفته (هرودوت)، داریوش اول پسر (هشتاسپ) در میان ایشان سکه را رواج داد.

چون روابط تجارتي یونانی ها با سواحل آسیائی، خصوصاً با لیدی های آسیای صغیر مخترع اولین فلزات مقطوعه نشانی نشده زیاد بود، این عمل در زمان آنها هم رواج یافت و چون قوم تجارت پیشه بودند به داد و ستد احتیاج زیاد داشتند. آنها قبل از هخامنشی ها به ضرب فلزات پرداختند و هر ولایت و شهر یونان به حساب و اوزان خود سکه هائی بمیان آورد و چون هخامنشی ها که در بین وقت در غرب آسیا حاکمیت داشتند به پول و سکه توجه نکردند در بابل و سائر قسمت های آسیا همان پارچه های مقطوعه فلزات ماند و یونان دارای مسکوکات شد. بعد سائر ممالک سواحل آسیائی هم شروع به ضرب مسکوکات نمودند و هخامنشی ها هم به تقلید دیگر ها داخل این کار شدند.

قراریکه (لنورمانت F. Lenormant) در کتاب (مسکوکات در عصر قدیم جلد 2 صفحه سوم) میگوید، داریوش اول ضرب طلا را برای خود اختصاص داده و باقی نایب الحکومه ها و شهرها را اجازه داده بود که نقره و مس سکه زنند. اما (دو مورگان) سکه شناس فرانسوی قول او را صحیح نمیداند و میگوید که نایب الحکومه ها و شهرها در انتخاب فلز مسکوکات خود آزاد بودند.

سکه شاهی عصر هخامنشی سکه ئی بود طلائی موسوم به (دادیک) که 8.42 گرام وزن داشت و از روی وزن برابر نصف سکه شهر (فوسه Phocce) آسیای صغیر بود زیرا سکه شهر اخیر الذکر 16.84 گرام وزن

داشت. سکه نقره ئی هخامنشی موسوم به (سیکل Sicle) 5.60 گرام وزن داشت. در زمان داریوش سوم (دادیک) مضاعف طلا بوزن 16.65 گرام هم برآمد. یونانی ها عموماً آنهایی که محکوم هخامنشی ها بودند و یا نبودند (الکترم) یعنی فلزی را که از سه حصه طلا و یک حصه نقره مرکب بود، ضرب میزدند. خود هخامنشی ها هیچگاهی مفرغ سکه نقره اند.

دادیک و سیکل شاهی هخامنشی ها مانند سکه های قدیم یونان مدور بود. بطرف روی سکه شاه به زانو نشسته بجانش (کندل Candyle) و بسرش (سیدارس Cidaris) یکنوع کلاه گرد دنداندار است. در دست چپش کمان و در دست راستش نیزه، خنجر یا تیر میباید. پشت سکه تا زمان داریوش سوم چیزی نداشت جز سوراخی که در وقت ضرب روی سندان نهاده میشد. در زمان داریوش سوم به پشت سکه هم اشکال ساده از قبیل دو ماه نو پشت به پشت، خطوط موج و غیره ظهور کرد. این مسکوکات نوشته ندارد فقط بعضی بطرف روی سکه دارای علامه ضرب یا حرف دیگری است که تا حال خوانده نشده است.

حالا که ظهور سکه و مراتب تدریجی آن در غرب آسیا به ملاحظه رسید، میخواهیم ببینیم که مسکوکات در شرق افغانستان در سرزمین سری هند چطور بود و چه مراتبی را طی کرده است. هندی ها مانند چینائی ها و اکثر ممالک دیگر آسیائی در تمام اعصار قبل التاریخ احتمالاً (سپیره آ) صدف دریائی را در مبادله اجناس و معاملات خرید و فروش خود استعمال نموده اند و چون بعد ها در شرق اقصی استعمال صدف و فلز در یک عصر هم رواج داشت، میشود معیار ارزش این صدف ها یا پول های اولیه هند را تعیین نمود. (کوری) خوردترین واحد پول هند بود. بعد (گندا Ganda) معادل چهار (کوری) و بالاتر واحد (پانا Pana) 20 گندا یا 80 کوری میشد که از روی وزن با 9.33 گرام تعادل داشت. از بین چیزها بالاتر (تنگه Tangka) یا (انا Ana) می آمد که مساوی چهار پانا میشد و آخر (کرشه Karsa) واحد عالی بود که یکدانه آن مساوی 4 تنگه و معادل 149.28 گرام مس و 3.628 گرام نقره میشد.

با این حساب ها چیز عجیبی که یافته اند این است که سکه (کرشه) نقره ئی هندی از روی وزن کاملاً مساوی سکه (سیکل) فنیقی ها است و به اساس این نظریه مورخین میگویند که سکه فنیقی ها یا ذریعۀ خودشان یا ذریعۀ ملاحان عرب که برای تجارت به هند می آمدند، در ین سرزمین وارد شده و بعدها نفوذ مقدونیه با اسکندر سرایت کرده است.

قدیمترین سکه هندی که نقره ئی و مسی است بشکل فلزات مقطوعه نشانی شده است اما از ین نشانی ها به هیچ صورت محل ضرب و ضرب زنده آن معلوم نمیشود. تقریباً معاصر همین زمان در هند سکه های مفرغ ریخته شده هم به میان آمده است. یعنی سکه شناسان اوائل سکه هند را به سال 1000 ق م بلند میبرند اما (دو مورگان) در کتاب مسکوکات شرق جلد دوم صفحه 344 میگوید که این نظریه مبالغه کارانه است و احتمال دارد که اوائل مسکوکات این سرزمین در حوالی قرن 5 یا 6 ق م شروع شده باشد. دو مورگان این را هم میگوید که این هم معلوم نیست که آیا اختراع سکه در هند بومی است یا از خارج وارد شده. اگر از خارج گرفته شده باشد اثرات نفوذ هخامنشی، فنیقی و یونانی در آنجا سرایت کرده است.

خلاصه این مسکوکات بی نام و نشان یا طوریکه در قسمت اول مطالعات خود تعریف نمودیم، این مقطوعات فلزی نشانی شده در تمام خاک هند رواج داشت و اشکال آن عموماً مربع و مستطیل و نشانی که میکردند علی الخصوص در روی سکه بوده و طرف دیگر آن لشم بود و قرار مطالعاتی که نموده اند از ین نشانی ها 300 رقم مختلف در هند یافت شده است.

حالا که تاریخچه عمومی ظهور مسکوکات به اندازه کافی شرح یافت میخواهیم چند سطری در رشته عمومیات راجع به افغانستان هم گفته بعد بصورت خصوصی تغییرات مسکوکات را در مملکت خود شرح دهیم.

طبیعی است که در افغانستان [نام آریانای باستان هنوز در سال 1317 روشن نشده بود] هم مبادله اشیا اول بصورت جنس شروع شده و بعد

طوری‌که در آسیای غربی اجناس بیشتر به حیوانات مبادله میشد در افغانستان هم حتماً این معامله رواج داشت چنانچه هنوز از نورستان بعضی چیزها را به (گاو) می‌خرند. همینطور مبادله اشیا با صدف هم در افغانستان دوره‌ئی داشته و گفته می‌توانیم که این دوره در مملکت ما طولانی‌تر بوده چنانچه تا همین یک قرن قبل هم به یاد بود همان معامله‌ها (کودی‌ها) را در بازار می‌گرفتند و هنوز هم در موارد بی‌اهمیتی یک چیز می‌گویند که به (یک کودی نمی‌ارزد). سپس فلزات مقطوعه نقره و مفرغ هم مراتب خود را پیموده چنانچه اخیراً از کول چمن حضوری از پای تپه مرنجان مسکوکات زیادی یافت شده که نوشته ندارد و محض دارای نشانی‌ها و علائم مخصوصه می‌باشد و حتماً به نظر من در جمله مقطوعات فلزی نشانی شده حساب میشوند.

وضعیت مسکوکات در ممالک آسیائی بهمین منوال بود که لشکر کشی‌های اسکندر شروع شد. فتوحات اسکندر در اوائل به مسکوکات دول مفتوحه چندان اثر نکرد بلکه بر عکس مسکوکات فاتح یونانی زیر نفوذ شرق آمد چنانچه در بعضی سکه‌های اسکندر حرف اول نام محلی که در آنجا به ضرب رسیده به رسم الخط فنیقی تحریر است. علاوه برین در چهار سکه که اسکندر در شهر هیراپولیس Hierapolyse یا (بام بلیس Bambyce شهری بود در شام) بضرب رسانیده نام او به رسم الخط سامی نوشته شده است. همینطور چندی دیگر هم مسکوکات یونانی تحت نفوذ سکه‌های شرق بود چنانچه در مدت 25 سالیکه از سقوط امپراطوری هخامنشی تا زمان مرگ اسکندر می‌گذرد، مسکوکات یونانی‌ها به سبک و رویه هخامنشی بضرب می‌رسید.

بعد از مرگ اسکندر چون حصه بزرگ آسیای غربی بدست سلوسیدها افتاد ایشان مسکوکات خود را به رویه مخصوص یونانی در آوردند لیکن هنوز هم در بعضی سکه‌ها مثل مسکوکاتی که در منطقه فنیسی Phenicie (کنار سواحل غربی شام) بضرب رسیده هنوز نام کارخانه ضرب به رسم الخط سامی نوشته شده است لیکن پسانتر آخرین اثر شرق هم از مسکوکات یونانی‌ها زایل شده و با سلاطین یونانی خاندان سلوسید سامی مسکوکات کاملاً یونانی بمیان آمد. چون ایشان خود

را به تنهائی وارث اراضی مفتوحه اسکندر در آسیا تصور میکردند، مسکوکات ایشان در ایران و افغانستان کم و بیش شیوع داشت و در عین زمان با مداخلات موریای هندی و پیش قدمی آنها در افغانستان جنوبی مسکوکات شاهان این سلسله هم در جنوب هندوکوه انتشار یافت. همین طور این وضعیت پراگندگی تا وقتی دوام داشت که در حوالی 250 ق م سلطنت مستقل یونانی در باختر و متعاقباً سلطنت دیگری در پارتیا بمیان آمد. اگر چه مسکوکات (ارساسید های) پارتی هم در افغانستان بکثرت یافت میشود و موسس این خانواده سلطنتی هم باختری است لیکن چون معاصر شان شاهان یونانی باختری مستقیم تر جزو تاریخ قبل الاسلام افغانستان است، چند کلمه راجع به مسکوکات (ارساسید) گفته بذکر مسکوکات یونانی های باختری میپردازیم.

ارساسید های پارتی فقط نقره و مس سکه زده اند و پول طلائی از آنها دیده نشده. سکه های نقره ئی آنها مدور و کلان و خورد است و مسکوکات مفرغ آنها در زمان (مهردا) اول و جانشینان او خوردتر شد. روی مسکوکات خاندان (ارساسید) عموماً نوشته ندارد و نوشته آن بطرف پشت سکه است و مضمون آن عموماً طوری تحریر شده که شکل مربعی بخود میگیرد. سنه این مسکوکات از روی عهد سلوسید ها که مبدأ آن سال 312 ق م میباشد، حساب شده است. پشت مسکوکات آنها خیلی مختلف است و عموماً شخصی را نمایش میدهد که بالای تخت نشسته به سرش گوش پوشک مخروطی و در دست راست کمانی را گرفته است. این شخص در پشت تقریباً تمام مسکوکات خورد و کلان نقره ئی و در بعضی مسکوکات مفرغ دیده میشود. روی همرفته شاهان ارساسید از روی مسکوکات سلوسید های شام تقلید نموده اند. مضمون ضرب و سنه آن طوریکه بالا گفتیم بطرف پشت سکه است و نام پادشاه عموماً نوشته نیست و این بزرگترین اشکالی است که در تعیین مسکوکات شاهان مختلف این سلسله بمیان می آید.

بعد از فتوحات اسکندر و ادعای سلوسیدهای شامی و تجاوز های خاندان موریای هندی بهترین مسکوکات افغانستان بعد از 250 ق م در اثر تشکیل سلطنت مستقل باختری بمیان می آید. در این وقت چون افغانستان

یک طرف از قلمرو امپراطوری یونانی سلوسیدهای شام مجزا شد و از طرف دیگر تجاوز خاندان موریای عقب نشست با سلاطین یونانی باختری که در شمال و جنوب هندوکوه سلطنت نموده اند مسکوکات افغانستانی ضرب (باختر) و (کاپیسا) رایج شد.

این مسکوکات قطع نظر از اینکه باختری و کاپیسانی است و تعریف آنرا از این جهت نمیکنیم که در سرزمین وطن ما بضرر رسیده بلکه همه سکه شناسان همقول و معترف اند که در نفاست نقوش و اشکال و رسم الخط و تمام جهات ضرب در دنیای قدیم نظیر نداشت. چنانچه با زیبایی خود حتی امروز هم از بهترین سکه های ممالک متمدن خوبتر، قشنگتر و بادوامتر اند و هر یک از مسکوکات شاهان یونانی باختری خصوص مسکوکات (اوتیموس) و (ایوکراتیدس) مانند مدال های زیبایی است که دیگر نظیر آن بمیان نخواهد آمد.

یونانی هائیکه در باختر سلطنت مستقل تاسیس نمودند، ابتدا در ضرب مسکوکات خود تنها زبان یونانی را استعمال مینمودند چنانچه این نظریه عموماً در مورد آن شاهانی حقیقت دارد که در شمال هندوکوه سلطنت نموده اند ولی چون زبان یونانی را کس نمی فهمید دیری نمیگذرد که مجبور شده زبان بومی (پراکریت) و رسم الخط (خروشتی) را که قسمی از رسم الخط (آرامی) بود و قرار عقیده مستشرقین از عصر هخامنشی به بعد در افغانستان رواج داشت، در پشت مسکوکات خود استعمال میکنند. اگرچه (ایوکراتیدس) شاه یونانی باختر اولین کسی است که در مسکوکات خود دو زبان و دو رسم الخط را استعمال کرده لیکن این رویه بیشتر نزد آن طبقه شاهان یونانی افغانستان معمول بود که ظهور اسکائی ها ایشان را به جنوب هندوکوه محدود ساخته و عموماً مسکوکات آنها به (کاپیسا) به ضرب رسیده است و قراریکه از شهادت مسکوکات معلوم میشود زبان پراکریت و رسم الخط یونانی همیشه به روی سکه و عین ترجمه آن به زبان پراکریت و رسم الخط خروشتی بطرف پشت آن تحریر مییاشد.

یونانی‌ها عموماً چه در باختر و چه در کاپیسا بطرف روی سکه تصویر خود و در طرف چپه آن ارباب انواع یونانی مثل زوس، هراکلس، پالاس، ارتمیس، اپولو، پوزیدون و غیره را به وضعیت های مختلف ضرب میزدند. اما آنها محض در جنوب هندوکوه سلطنت نموده اند. بعلاوه اینکه زبان و رسم الخط بومی در پشت مسکوکات شان عمومیت دارد بعضی اوقات تصاویر ارباب انواع محلی را نیز در مسکوکات خود بضرر رسانیده اند چنانچه قرار نظریه (موسیو فوشه) بعضی مسکوکات (ایوکرآتیدس) که در شهر کاپیسا ضرب زده شده رب النوع مخصوص این شهر را نشان میدهد.

بهرحال یونانی های جنوب هندوکوه تا زمان (هرمایوس) 54 - 50 م آخرین شاه یونانی کابل زمین زبان پراکریت و رسم الخط خروشتی را در چپه مسکوکات استعمال نموده اند و حتی اگر به مسکوکات اتکا شود در اواخر از نقطه نظر دین و لباس و زبان و رسم الخط بیش از پیش تحت اثرات محیط و مملکت ما واقع شده بودند چنانچه بعضی مسکوکات (مناندر) و حتی (دمتریوس) شاهد این مدعا است. شاهان یونانی جنوب هندوکوه سراسر نقره و مس سکه زده اند.

بعد از یونانی ها در زمان تهاجم اسکائی ها و شاهان ایشان یا (هندوسیت) و پهلواها یا (هندو پارت) مسکوکات افغانستان سراسر نقره ئی و مسی است و ضرب آن از نقطه نظر سبک زبان، ارباب انواع و غیره تقلیدی بود یعنی چیز نوی از خود نداشت بلکه از روی مسکوکات شاهان یونانی باختری که در شمال افغانستان به تعداد زیاد موجود است، تقلید میشد. نوشته این مسکوکات مانند عصر یونانی های جنوب هندوکوه یونانی بر روی سکه و پراکریت به رسم الخط خروشتی به پشت آن بود. اسکائی هائی که بهد از فتح باختر از راه سیستان و اراکوزی مساوی قندهار به حوضه اندوس مساوی سند فرود آمده اند و در پنجاب و حصه مشرقی افغانستان حکمفرمائی کرده اند هم به دو زبان سکه زده اند. همین طور پهلواهای سیستان و قندهار که موسس خانواده شاهی آنها (نونس) را تصویر میکنند بر علاوه زبان یونانی در روی سکه پراکریت را به رسم الخط خروشتی به طرف چپه مسکوکات خود استعمال نموده اند. از این

ملاحظات معلوم میشود که در زمانه های قبل از اسلام مدت مدیدی زبان (پراکریت) و رسم الخط (خروشتی) که آنرا رسم الخط (باختری) یا (اریو باختری) هم گویند تقریباً در تمام افغانستان و پنجاب معمول بود و الا زبان و رسم الخط بومی گفته در مسکوکات استعمال نمیشود.

کوشانی هائی که آخرین عناصر یونانیت را در جنوب هندوکوه میبردانند هم از نقطه نظر مسکوکات چیز تازه بمیان نیاوردند بلکه سراسر تقلید مسکوکاتی را نمودند که حین ورود شان در افغانستان معمول و مروج بود چنانچه (کجولا کدفیزس) که (هرمایوس) یونانی و آخرین عناصر هلنیزم را از صفحات جنوب هندوکوه محو میکنند، بدرجه ئی در تقلید مبالغه میکند که در مسکوکاتی که دارای تصویر (هرمایوس) است نام خود را ضرب میزند و حتی در بعضی مسکوکات نام هر دوی شان ذکر است. پسانتر نام (هرمایوس) یونانی را کاملاً از بین برده و نام خود را بضرر رسانیده است. اما رسم الخط و زبان یونانی و حتی تصویر هرمایوس در تمام مسکوکات او باقی مانده. علاوه برین در بعضی مسکوکات مسی سری را بضرر رسانیده که قرار نظریه سکه شناسان از روی سکه (اگوست) امپراطور رومن تقلید شده است.

بعد از او و با عصر (ویما کدفیزس) و سائر کوشانی هائی که بعد از کنیشکا می آیند، مسکوکات کوشانی ها آهسته آهسته خواص مخصوصی بخود میگیرد و رسم الخط یونانی کم کم بدرجه تغییر کرده و خراب میشود که در آخر از خواندن میبراید. جای ارباب انواع یونانی را آهسته آهسته ارباب انواع محلی باختری مثل میرو، مهر، آفتاب، ماو، ماه و ارباب انواع هندی مثل (شیوا)، (نانا) و غیره میگیرد. دی کدفیزس مس و طلا سکه زده عموماً بطرف راسته سکه به لباس کوشانی استاده معلوم میشود. بطرف چپ سکه او بلااستثنا شکل (شیوا) بضرر رسیده است. ویما کدفیزس در مسکوکات عناوین مجلل و باشکوه اختیار نموده و خود را شاه کبیر، شهنشاه، بادار دنیا و پیرو شیوا خوانده است.

تصویر (کنیشکا) در مسکوکات شبیه تصویر ایستاده ویما کدفیزس است و دور صورت او عموماً هاله نور دیده میشود. در سکه های کوچک طلا

بصورت نیم تنه یا ربع تنه نمایش یافته. در چپه مسکوکات (کنیشکا) تمام ارباب انواع یونانی، باختری، هندی دیده میشود.

(هویشکا) سکه های طلائی بیشتر دارد. در بعضی فقط سر او در بعضی های دیگر مناصفه بدن او نمایش یافته است. در سکه های مسی یا بر فیل سوار است یا بالای تختی دراز کشیده و یا بوضعیت چهار زانو معلوم میشود. بعد از (وداسودا) برای قوای خارجی کوشانی ضعیف شده و قلمرو آنها به اراضی دره کابل و گندهارا محدود میگردد و مسکوکاتی که بنام (کانیشکو) و (وازو) دارند، متعلق به همین عصر انحطاط آنها است.

بعد از تهاجم هیاطله و سقوط آنها کوشانی هائی که به کوه های چترال بالا رفته بودند به وادی کابل فرود آمده چند نفری از ایشان به سلطنت رسیده که بنام کوشانی های خورد موسوم اند و ایشان را معمولاً (نپکی) هم میگویند. مسکوکات آنها عموماً نقره ئی و مسی و از روی شکل نازک میباشد. در روی مسکوکات آنها عموماً شکل شاه و کلمه (پنکی ملک) و در پشت آن در وسط دو پایه و دو طرف آن دو نفر معلوم میشود و بعلاوه در یک طرف سکه بعضی اوقات کلمه (شاه) هم خوانده میشود. این مسکوکات روی همرفته از روی شکل و اندازه شبیه سکه های ساسانی ها و از روی البسه و زیورات اشخاصی که روی آنها نمایش یافته به هندی ها شباهت دارند.

از بین گذشته آخرین دسته سکه هائی که به آنها مسکوکات قبل الاسلام افغانستان تمام میشود، سکه های نقره ئی و مسی است که عموماً در نزد عوام بنام (فیل سوار) و (گاو سوار) معروف است. این مسکوکات مربوط بیک دسته شاهان هنود است که در تاریخ بنام (کابل شاهان هنود) یاد شده اند و چون آخرین اولاده کوشانی کابل زمین آهسته آهسته ضعیف شده و از بین رفتند جای ایشان را گرفته و بسطنت رسیدند چنانچه البیرونی در این موضوع اشاره کرده میگوید که جای آخرین شاه کوشانی کابل را که (لاگاتورمان Lagaturman) نام داشت، وزیر برهمنی اش (کالار Kallar) گرفته و سلسله (هنود شاهی ها) را بمیان آورد. این دسته

که روی هم رفته از 875 ب م تا 1000 ب م سلطنت کرده اند حین ورود فاتحین اسلام و چندی بعدتر هم در کابل و اراضی شرقی آن حکومت نموده اند. مسکوکات این سلسله را سکه شناسان فرنگ از روی نقوش به سه دسته تقسیم نموده اند:

1- رقم گاو و سوارکار

2- رقم فیل سوار

3- رقم شیر و طاؤس

روی راسته این مسکوکات عموماً اشکال گاو و فیل و در پشت آن بعضی اوقات شاه بالای اسپ و بعضی اوقات شکل شیر نمایش یافته است. از این مسکوکات اگرچه (گاو دار) و (فیل دار) مسی آن زیاد است، از رقمی که شیر و طاؤس در آن نمایش یافته فقط یک دانه بدست آمده که در (بریتش موزیم) لندن میباشد.

مسکوکات شاهان یونانی باختر

(دیودوتس) که از طرف شاهان یونانی خاندان (سلوسید) شامی در بکتریان (باختر) حکمران بود، در حوالی 250 اعلان استقلال نموده و از این تاریخ بعد سلطنت مستقل یونانی در (آریانا) یعنی افغانستان تاسیس میشود که تا چندی مرکز آن در شمال هندوکوه شهر (بکتر) و بعد از تهاجم اسکائی و کوشان در حالیکه نفوذ یونانی ها به جنوب هندوکوه محدود میشود، در کاپیسا یا بگرام فعلی منتقل میگردد.

نفوذ یونانی از شمال هندوکوه با (هلیوکلس) و از کابلستان با (هریالوس هرمایوس) در حوالی شروع عهد مسیحی به آخر میرسد. مسکوکات ایشان تا یکزمان تنها به زبان یونانی و بعد از اینکه جنوب هندوکوه منتقل میشود به دو زبان یونانی و پراکریت افغانستان و رسم الخط یونانی و خروشتی به ضرب میرسد. باقی تفصیلات قرار آتی است:

دیودوتس Diodotos حوالی 250 – 245 ق

1 - سکه مدور طلا
وزن مساوی 130 گرین Grain
اندازه مساوی 0.75 انچ Inch
روی سکه: سر پادشاه به نیم رخ راست
پشت سکه: تصویر ایستاده (زوس) رب النوع یونانی دیودوتس پادشاه

2- سکه مدور نقره
وزن مساوی 266 گرین
اندازه 1/1 انچ
روی سکه: سر پادشاه
چپه سکه: تصویر ایستاده (زوس) دیودوتس پادشاه

3- سکه مدور مسی
وزن مساوی 169 گرین
اندازه 0.75 انچ
روی سکه: صورت پادشاه بر سرش کلاه مقدونوی (کوسبا) که بشکل
کلاه بارانی است مشاهده میشود.
پشت سکه: پالاس Pallas رب النوع جنگ، دیودوتس پادشاه.

اوتیدموس Euthydemos (حوالی 220 ق م)

4- سکه مدور نقره
وزن مساوی 60 گرین
اندازه 0.65 انچ
روی سکه: تصویر شاه بصورت نیم رخ
پشت سکه: (هیراکلس) رب النوع یونانی برهنه بالای سنگی نشسته در
دست راستش چوبی میباشد

5- سکه مدور مسی
وزن مساوی 110 گرین
اندازه 0.90 انچ

روی سکه: تصویر ریش دار هر اکلس
پشت سکه: اسپ بحالت خیز کردن

دمتریوس Demetrios پسر اوتیدموس در حوالی 200 ق م بجنوب هندوکوه و پنجاب سلطنت نموده است. این شاه نقره و مس سکه زده و خود را (دمتریوس پادشاه) خوانده است.

6- سکه مدور نقره
وزن 255 گرین
اندازه 1.3 انچ
روی سکه: صورت پادشاه به نیم رخ راست نمایش یافته و بسرش کلاهی بشکل سر فیل است.
پشت سکه: هر اکلس برهنه ایستاده است.

7- سکه مدور مسی
وزن مساوی 126 گرین
اندازه مساوی 0.90 انچ
روی سکه: در اینجا پادشاه ریش دارد و به نیم رخ راست دیده میشود.
پشت سکه: (ارتمیس Artemis) رب النوع یونانی ایستاده است.
این شاه سکه مسی مربعی هم دارد که در پشت آن رسم الخط خروشتی نوشته است.

اوتیدموس دوم پسر اوتیدموس اول
این شاه در نقره و نیکل و مس سکه زده است.

8- سکه مدور نقره
وزن مساوی 260 گرین
اندازه مساوی 1.3 انچ
روی سکه: تصویر شاه بصورت نیم تنه
پشت سکه: تصویر برهنه ایستاده هر اکلس

9- سکهٔ مدور نیکل
وزن مساوی 110 گرین
اندازه مساوی 0.90 انچ
روی سکه: تصویر نیم تنهٔ شاه
پشت سکه: سه پایه

10- سکه مدور مسی
این سکه هم مانند سکه (9) است اما وزن و اندازهٔ آن خوردتر میباشد.

پانتالئون Pantaleon (حوالی 190 ق م) در روی سکه بزبان پراکریت
در پشت آن به زبان یونانی نوشته دارد و خود را (پانتالئون پادشاه)
خوانده است. این شاه بیشتر مس سکه زده است.

11- سکهٔ مربع مسی
وزن مساوی 165 گرین
اندازه مساوی 0.80 انچ
روی سکه: دختری با لباس شرقی میرقصد
پشت سکه: شیر ایستاده است

آگاتوکلس Agathokles (حوالی 185 ق م) این شاه در نقره و نیکل و
مس سکه زده و خود را (آگاتوکلس پادشاه) یا (آگاتوکلس پادشاه کبیر)
خوانده است.

12- سکه مدور نقره
وزن مساوی 222 گرین
اندازه مساوی 1.55 انچ
روی سکه: سر اسکندر
پشت سکه: زوس رب النوع یونانی بالای تخت نشسته است.

13- سکهٔ مدور نیکل
وزن مساوی 105 گرین

اندازه مساوی 0.85 انچ
روی سکه: تصویر نیم تنه دیونی زوس رب النوع یونانی
پشت سکه: پلنگ ایستاده

14- سکه مربع مسی
وزن کساوی 185 گرین
اندازه مساوی 0.75 انچ
روی سکه: مانند سکه 15
پشت سکه مانند سکه 10

انتی ماکوس ته اوز Antimachose Theos در نقره و مس سکه زده و
خود را به لقب (ته اوس کبیر) خوانده است.

15- سکه مدور نقره
وزن مساوی 250 گرین
اندازه مساوی 1.1 انچ
روی سکه: تصویر شاه بصورت نیم تنه
پشت سکه: پوزیدون Posidon رب النوع بحار ایستاده است.

ایوکراتیدس (حوالی 175 ق م) در نقره و مس سکه زده و خود را
(ایوکراتیدس پادشاه) خوانده است.

16- سکه مدور نقره
وزن مساوی 65 گرین
اندازه مساوی 0.70 انچ
روی سکه: سر شاه
پشت سکه: اپولو Apollo رب النوع یونانی ایستاده بدست راستش تیر و
بدست چپش کمان میبشد.

17- سکه مدور مسی
وزن مساوی 88 گرین
اندازه 0.85 انچ

روی سکه: شاه در حالیکه کلاه فولادی به سر دارد به نیم رخ راست
نمایش یافته.
پشت سکه: (دیوسکوری) ستاره صبح و شام بالای اسپ ها سوار اند.

هلیوکلس Heliokles (حوالی 140 – 156 ق م) در نقره و مس سکه
زده و خود را (هلیوکلس شاه کبیر) خوانده است.

18- سکه مدور نقره
وزن مساوی 246 گرین
اندازه 1.3 انچ
روی سکه: تصویر شاه بصورت نیم تنه
پشت سکه: زوس رب النوع یونانی استاده و بدست چپ چوب درازی را
گرفته است.

19- سکه مدور مسی
این سکه مانند سکه نقره فوق الذکر میباشد وزن آن کمتر است.

اپلودوتس Apollodotos (حوالی 140 – 156 ق م) در نقره و مس
سکه زده و خود را به لقب (سوتروس یعنی منجی) یاد کرده، مضمون
ضرب سکه او چنین است: (اپلودوتس پادشاه منجی)

20- سکه مدور نقره
وزن 31 گرین
اندازه 0.60 انچ
روی سکه: فیل استاده
پشت سکه: گاو استاده
این شاه سکه مربع نقره هم دارد.

مناندر Manandre (حوالی 140 – 160 ق م)

در نقره و مس سکه زده و خود را مناندراس پادشاه منجی خوانده. این شاه به نمونه های مختلف خورد وکلان، مسی و نقره، مربع و مدور سکه زیاد دارد.

21- سکه مدور نقره
وزن مساوی 140 گرین
اندازه مساوی 1 انچ
روی سکه: تصویر شاه بصورت نیم تنه
پشت سکه: پالاس Pallas جنگ یونانی استاد
همین قسم سکه مدور نقره خورد هم دارد که وزن آن 34 نخود و اندازه آن 0.65 انچ است.

22- سکه مربع مسی
وزن مساوی 240 گرین
اندازه 0.90 انچ
روی سکه: تصویر نیم تنه پالاس
پشت سکه نیک Nike بالدار ایستاده است

هرمایوس Hermaius (حوالی 45 – 20 ق م) در نقره و مس سکه زده و خود را (هرمایوس پادشاه منجی) خوانده است.

23- سکه مدور نقره
وزن مساوی 145 گرین
اندازه مساوی 1 انچ
روی سکه: تصویر شاه بصورت نیم تنه
پشت سکه: (زوس) بالی تختی نشسته

24- سکه مدور مسی
روس و پشت سکه مانند سکه 23 است

25- هرمایوس با ملکه عیال خود (کالیوپ) هم در نقره سکه زده

وزن مساوی 37 کرین
اندازه 0.65 انچ
روی سکه: تصویر شاه و ملکه
پشت سکه: شاه بر اسب سوار است.

مسکوکات شاهان و سلاطین اسکائی

این سلسله بعد از اینکه یونانی های باختر را مضمحل میسازند از راه سیستان و اراکوزی (قندهار) به وادی سند فرود می آیند و از پنجاب به بعضی قسمت های افغانستان جنوبی و جنوب شرقی سلطنت کرده اند. در ضرب مسکوکات خود بطرف روی سکه زبان یونانی و در پشت آن زبان پراکریت و رسم الخط خروشتی را استعمال نموده و عموماً خود ها را (شاه شاهان) و (شاهنشاه کبیر) خوانده اند. مسکوکات شاهان ایشان قرار ذیل است:

مؤس یا موا (حوالی 75 ق م) خود را شهنشاه کبیر ماوس خوانده است.

26- سکه مدور نقره
وزن مساوی 138 گرین
اندازه مساوی 1 انچ
روی سکه: زوس رب النوع یونانی ایستاده
پشت سکه: نیک Nike بالدار ایستاده است.

27- سکه مدور مسی
وزن مساوی 130 گرین
اندازه مساوی 1 انچ
روی سکه: سر قیل
پشت سکه: چوبی بالای آن دو حلقه

این سلطان یکنوع مسی مدور دیگر هم دارد که در روی آن ارتمیس رب النوع یونانی و در پشت آن شکل گاو دیده میشود.

28- سکه مربع مسی
وزن مساوی 168 گرین
اندازه مساوی 1.8 انچ
روی سکه: رب النوع مهتاب بین دو ستاره استاده
پشت سکه: نیک رب النوع فتح بالدار

ازس (حوالی 58 ق م)
29- سکه مدور نقره
وزن مساوی 142 گرین
اندازه 1.1 انچ
روی سکه: شاه بر اسپ سوار است و در دست چپش نیزه است
پشت سکه: زوس رب النوع یونانی ایستاده است.
ازس در مسکوکات، خود را شاه شاهان کبیر خوانده است.

30- سکه مدور مسی
روی سکه: پادشاه چهار زانو نشسته و شمشیری بر دو زانوهای خود گذاشته است.
پشت سکه: هرمس Hermes رب النوع یونانی قدم میزند
ازس در میان شاهان اسکائی مسکوکات خورد و بزرگ خیلی زیاد دارد.
ازس و ازیلیزس: بطرف روی سکه ازس نوشته یونانی نام (ازس) و در پشت سکه در رسم الخط خروشتی نام (ازیلیزس) تحریر است.

31- سکه مدور نقره
وزن 151 گرین
اندازه 1 انچ
روی سکه: پادشاه بر اسپ سوار و در دست چپ نیزه را در حال زدن گرفته.

شهنشاه کبیر ازس
پشت سکه: ربالنوعی ایستاده و در دست راستش شعله نور را گرفته
است.
شاه کبیر، شاه شاهان (ازیلیزاسا)

ازیلیزس (حوالی 48 ق م)

32- سکه مدور نقره
وزن 150 گرین اندازه 1 انچ
روی سکه: شاه بر اسپ سوار است

شاه شاهان ازیلیزس

پشت سکه: تصویر (زوس) رب النوع یونانی

شاه شهاهان (ائی لی زاسا)

33- سکه مربع مسی
وزن 123 گرین
اندازه 0.85 انچ
روی سکه: شاه بالای اسپ سوار است و در دست راست قمچین را
گرفته است.
شهنشاه کبیر ازیلیزس
پشت سکه: هراکلس رب النوع یونانی برهنه بالای سنگی نشسته است.

شاه کبیر (ائی لی زاسا)

مسکوکات پهلواهای سیستان و فندهار

پهلواها عبارت از یک سلسله پارت هائی است که در حوالی قرن دوم ق م با (ونوس) استقلال خود را از پارت های خراسان گرفته و در سیستان، قندهار و قسمتی از حوضه اندوس (رود سند) سلطنت علیحده تشکیل نمودند. معاصر شان در حوالی کابل آخرین شاهان یونانی در پنجاب شرقی اولاده اسکائی ها حکمفرمائی داشت و تا اندازه که تخمین میکنند علت سقوط یونانی های کابل زمین این بود که از طرف شمال کوشانی ها از جانب غرب و جنوب پهلواها و از طرف شرق اسکائی ها بر ایشان فشار می آوردند. مسکوکات پهلواها طلائی، نقره ئی و مسی است. در روی سکه آنها زبان یونانی و در پشت آن زبان پراکریت و رسم الخط خروشتی استعمال شده. ارباب انواع یونانی هنوز از بین نرفته است. تفصیل مسکوکات شاهان ایشان قرار آتی است

ونوس Uonones (حوالی 105 ق م)

34- سکه مدور نقره

اندازه مساوی 0.65 انچ

روی سکه: تصویر شاه بالای اسپ

بازیلوس بازیلون ملا اوس ونونوس شهنشاه کبیر ونوس.

پشت سکه: زوس رب النوع یونانی ایستاده.

مهارجا براتا درامی کاسا سپالاهوراسا یعنی شهنشاه کبیر دین دار اسپالاهورا. ملتفت باید بود که در بین سکه در سمت پراکریت نام (سپالاهوراسا) هم ذکر شده و نشان میدهد که شاه با نایب السلطنه خود یکجا سکه زده است.

همین قسم ونوس با (اسپالاکاداس) هم سکه زده است.

اسپالیزس Sparirises برادر و جانشین ونوس (حوالی 100 – 90 ق م)

35- سکه مربع مفرغ

وزن 227 گرین

اندازه 0.85 انچ
روی سکه: پادشاه در حال رفتار. بازیلون بازیلوس ملاوس اسپالیریزس
یعنی شاهنشاه کبیر اسپالیریزس.
پشت سکه: زوس رب النوع یونانی.
مهاراجا سماها تاکاسا اسپالی ریزسا شهنشاه کبیر اسپالیریزس

گندوفارنس Gondopharnes حوالی 19 تا 45 ب م

36- سکه مذور مسی
وزن 151 گرین
اندازه 0.90 انچ
روی سکه: تصویر شاه بر اسپ
بازیلوس بازیلون ملا اوس گندوفارنس یعنی شاهنشاه کبیر گندوفارنس
پشت سکه : تصویر ایستاده زوس

مهاراجا راجاتی راجا ترانارا گندوفارنس یعنی شاهنشاه کبیر شاه شاهان
گندوفارنس

قرار سکه فوق سکه مذور از ممزوج مس با نقره هم دارد.

ابدا گازس Abdagases (حوالی 60 – 65 ب م)
37- سکه مذور مخلوط مس و نقره
اندازه 0.95 انچ
روی سکه: پادشاه بالای اسپ سوار است.
بازیلوس بازیلون ابدا گازس یعنی شاه شاهان ابدا گازس
پشت سکه: (ژوپیتر) رب النوع یونانی تاجی در دست دارد.
گندوفر ابراتا پوترا سامها راجا ترا تاراسا اوا را کاسا یعنی شهنشاه کبیر
ابدا گاسوس برادر زاده گندوفارنس

اورتا گنس Ortagnes (حوالی 60 – 70 ب م)

38- سکه مدور مسی
وزن مکسای 124 گرین
اندازه 0.90 انچ
روی سکه: تصویر شاه بصورت نیم تنه نوشته فوقانی آن بریده و خوب خوانده نمیشود.
پشت سکه: نیک Nike بالدار. در بین طرف سکه او نام گندوفارنس و گودا برادرش هم ذکر شده است.

پاکورس Pacores (حوالی 75 – 70 ب م)

39- سکه مدور مسی
وزن مساوی 121 گرین
اندازه 0.90 انچ
روی سکه: تصویر نیم تنه شاه
بازیلوس بازیلون ملاوس پاکورس یعنی شهنشاه کبیر پاکورس.
پشت سکه: تصویر نیک رب النوع یونانی بالدار
مهاراجا ساراجاتی راجا سامها تاسا پاکوراسا یعنی شهنشاه کبیر پاکورس
مسکوکات این شاه زیاد از قندهار پیدا میشود.

مسکوکات سلاطین کوشانی

هرمایوس یا کجولا کدفیزس

40- سکه مدور مسی
وزن مساوی 115 گرین
اندازه 0.90 انچ
روی سکه: تصویر نیم تنه هرمایوس (شاه منجی هرمایوس)
پشت سکه: (هراکلس) پوست شیر را روی بازوی چپ گرفته (کجولا
کازاسا رئیس کوشانی)

کجولا کدفیزس یا کدفیزس اول (حوالی 60 – 45 ق م)

41- سکهٔ مدور مسی

روی سکه: صورت نیم تنه هرمایوس (کوزولو کدفیزس) نام هرمایوس به رسم الخط خراب یونانی نوشته شده.
پشت سکه: تصویر ایستاده (هراکلس) و (کوجولا کازاسا رئیس کوشانی)

42- سکه مدور مسی

روی سکه: سری نمایش یافته که قرار احتمال از روی سکه (اگوست) امپراطور رومن تقلید شده (رئیس کوشان کوزولا کدفیزس)
پشت سکه: شاه بالای چوکی نشسته (بزیان خروشتی مضمون فوق نوشته است)

ویما کدفیزس یا کدفیزس دوم (حوالی 70 – 60 ق م)

43- سکه مدور طلا

وزن مساوی 242 گرین

اندازه 1.8 انچ

روی سکه: شاه روی چوکی نشسته (ومو کدفیزس شاه)
پشت سکه: (شیوا و گاو، شاه کبیر، شاه شاهان، بادار دنیا مدافع ویما کدفیزس)

کنیشکا حوالی 80 – 110 ق م)

44- سکه مدور مسی

وزن مساوی 123 گرین

اندازه

0.90 انچ

روی سکه: تصویر ایستاده شاه به لباس کوشانی (بازیلوس بازیلون کانیشکوس) یعنی شاه شاهان کنیشکا.
پشت سکه: صورت ایستاده (هلیوک) رب النوع آفتاب

45- سکه مدور طلا
وزن مساوی 122 گرین
اندازه 0.8 انچ

روی سکه: تصویر ایستاده شاه به لباس کوشان به سر شاه کلاه پیک دار آهنی، به جانش چپن بلند و شلوار است. پیش رویش میز کوچک قربانی است و به دست چپ نیزه طویلی گرفته است (شاه اونا نوشا او کانیشکی کوشانو یعنی شاهع شاهان کنیشکا کوشانی)
پشت سکه: تصویر (میرو) ربالنوع آفتاب

46- سکه: مدور مسی
وزن 257 گرین
اندازه 1.05 انچ
روی سکه: قرار تفصیل سکه 45
شا او کنیشکی - کنیشکا پادشاه
پشت سکه: (میرو) ربالنوع آفتاب

هویشکا (حوالی 162-183 ق م)

47- سکه مدور طلا
وزن 121 گرین
اندازه 0.80 انچ
روی سکه: تصویر نیم تنه شاه. پادشاه کلاه آهنی مدور بسر کرده و چپن خامک دوزی پوشیده است. بدست راستش چوبی را گرفته که علامه سلطنت است.

شا اوانوشااو، هوشکی، کوشانو یعنی از شاه شاهان هویشکا کوشانی
پشت سکه: (میرو) رب النوع آفتاب

48- سکه مدور مسی
وزن 245 گرین
اندازه 1 انچ

روی سکه: پادشاه بر فیل سوار است شا او، نانو، شااو، هوشکه کوشانو
یعنی از شاه شاهان هوویشکا کوشانی.
پشت سکه: (میرو) رب النوع آفتاب

واسودوا (حوالی 182 – 220 ق م)

49- سکه مدور طلا

وزن 121 گرین

اندازه 0.85 انچ

روی سکه: شاه ایستاده کلاه آهنی مخروطی بسر دارد. بجانش لباسی است
به شکل زره و با دست راست بالای میز کوچک چیزی تقدیم میکند، در
دستش چپش خوب درازی مییاشد.

شااو، نانو، شااو بازو دو کوشانو یعنی از شاه شاهان واسودوا کوشانی
پشت سکه: شیوا رو برو ایستاده عقبش گاو معلوم میشود.

50- سکه مدور مسی

وزن 154 گرین

اندازه 0.90 انچ

روی سکه: بقسم سکه 44 نوشته یونانی آن کامل خراب شده
پشت سکه: مانند سکه 43.

مسکوکات شاهان هیاطله

هن های هفتالیت در اوائل قرن 5 ب م ظهور نموده کوشانی ها را موقتاً
مضمحل و مدت تقریباً نیم قرن در افغانستان و پنجاب سلطنت نموده اند.
مسکوکات شاهان ایشان قرار آتی است:

تورامانا (حوالی 500 ب م)

51- سکه مدور مسی
وزن مساوی 47.3 گرین
اندازه 0.8 انچ

روی سکه: تصویر شاه بصورت نیم تنه و نیک رخ
پشت سکه: در وسط سکه خطی افقی کشیده شده بالای آن قرص آفتاب و
پائین کلمه (تورا) به رسم الخط خروشتی نوشته شده است.

مهی راکولا یا مهر گل پسر تورامانا (حوالی بین 510 – 540 ب م)

52- سکه مدور مسی
وزن مساوی 56.3 گرین
اندازه 0.70 انچ

روی سکه: تصویر نیم تنه شاه به قیافه ساسانی. به رسم الخط خروشتی
چنین نوشته دارد: شری مکی هی راکولا یا گولا
پشت سکه: خط افقی در وسط سکه. بالای آن تصویر گاو.
در روی بعضی مسکوکات نقره شاه به رسم کوشان ایستاده نمایش یافته و
این نوشته را دارد (شاهی می هی را گولا)
بطرف چپه مانند مسکوکات کوشانی رب النوع بالای تخت نشسته است.

مسکوکات هیاطله از افغانستان و هند بسیار پیدا میشود لیکن متاسفانه
یکعده زیاد آن خوب تشخیص نمیشود.

مسکوکات (نپکی ها) یا کوشانی های خورد

چون حین تهاجمات هن های هفتالیت کوشانی ها مضمحل شده و از
آخرین ملجاء خود (علاقه کابل) به کوه ها بالا رفته بودند نیم قرن بعد از
سقوط هن ها دوباره به وادی کابل فرود آمده و به سلطنت رسیده اند. اگر
چه نام های ایشان صریحاً معلوم نمیشود روی همرفته سلسله شان به
(کوشانی های خورد) موسوم است و ایشان را معمولاً (نپکی) هم

میخوانند و عصر شانرا بعد از وسط قرن 5 تا اخیر قرن 6 هم نسبت میدهند. مسکوکات آنها عموماً نقره ئی و مسی، شکل آن بزرگ و نازک است. این مسکوکات از روی شکل و اندازه به سکه های ساسانی و از روی قیافه و لباس شاه به هندی نزدیک است.

شرح یکی آنها بطور نمونه قرار آتی است:

53- سکه مدور نقره

وزن 52.8 گرین

اندازه 1.3 انچ

روی سکه: تصویر شاه بصورت نیم تنه، قیافه شاه بیشتر به هندی شباهت دارد، در گوشش گوشواره است و در کلاهش بالای پیشانی ماه نوی دیده میشود. پیش روی شاه (نپکی ملک) و عقب او کلمه (شاه) نوشته است. پشت سکه: در وسط مجمر دو پایه ئی دیده میشود و به دو طرف آن دو نفر ایستاده بالای سر آنها عراده رسم شده، نوشته آن خوانده نمیشود. این سکه در موزه کلکته هند است.

مسکوکات کابلیشاهان هند

چون آخرین اولاده کوشانی کابل زمین آهسته آهسته ضعیف شده و از بین رفتند، جای ایشان را طبقه ئی از اهل هند گرفته و به سلطنت رسیده اند. (ونسنت سمیت) مورخ انگلیسی در جلد اول کتلاک مسکوکات موزیم هند کلکته از زبان البیرونی صورت قضیه را چنین مینویسد که جاه آخرین شاه کوشانی کابل را که (لاگاتورمان) نام داشت وزیر برهمنی اش (کالار) گرفته و سلسله (هندوشاهی) را بمیان آورد.

این دسته از 875 تا 1000 ب م تا زمان ورود فاتحین اسلام و بعدتر در کابل زمین سلطنت نموده اند. مسکوکات چند نفر آنها قراریکه در جلد دوم کتلاک مسکوکات موزیم هند کلکته تشریح یافته قرار آتی است:

اسپالاپاتی دوا حوالی اواخر قرن 9 ب م

54- سکه مدور نقره

وزن 54 گرین

اندازه 0.8 انچ

روی سکه: گاو در رفتار بطرف چپ بالای آن به زبان و رسم الخط

هندی نوشته Sri Spalapati deva

پشت سکه: پادشاه بالای اسپ سوار است و نیزه ئی را در دست راست

گرفته. پیش روی او کلمه (گرا) به هندوئی نوشته شده.

سامانتا دوا Samanta deva حوالی اوائل قرن 10 ب م

رقم گاو و سوار کار

55- سکه مدور نقره

وزن 51.2 نخود

اندازه 0.8 انچ

روی سکه: مانند سکه 55 فوق

پشت سکه مانند سکه 55 منتها عقب سر شاه کلمه (بهی و) نوشته است.

مسکوکات مسی این شاه مانند سکه های نقره ئی او میباشد.

رقم فیل و شیر

56- سکه مدور نقره

وزن 30.7 نخود

اندازه 0.78 انچ

روی سکه: فیلی استاده است و پائین این نوشته است:

Sri Samanta deva

پشت سکه: شیر دم خود را قرقره نموده.

واکا دوا Vakka deva (حوالی قرن 10 ب م)

57- سکه مدور نقره

رقم فیل و شیر

وزن مساوی 31.6 نخود

اندازه مساوی 0.75 انچ

روی سکه: فیل و نوشته ذیل Sri Vakka deva

پشت سکه: تصویر شیر

حوداواپاکا Ohudavayaka (حوالی قرن 10 ب م)

رقم گاو و سوار کار

58- سکه مدور نقره

وزن 49.7 نخود

اندازه 0.47 انچ

روی سکه: گاو Seri Ohudavayaka

پشت سکه: سوار کار

ستاپالا Asta – Pala (حوالی 1000 ب م) و بعد تر

59- سکه مدور نقره

وزن 47 گرین

اندازه 0.60 انچ

روی سکه: گاو Asta Pala

پشت سکه: سوار کار

***** خاتمه *****

یادداشت: شادروان استاد کهزاد رساله دیگری در مورد مسکوکات دوره اسلامی افغانستان نیز دارد.